

بررسی رابطه افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم دبستان اسماعیل فرخی ۲

جواد میرزاخانی^۱، مرجان قرمزی^۲

^۱ کارشناسی ارشد ایمنی بهداشت محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجن، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم دبستان اسماعیل فرخی ۲ شهر بروجن بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه پنجم این دبستان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که به دلیل محدود بودن حجم جامعه، از روش سرشماری استفاده شد. پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۳۸ دانش آموز به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه افسردگی کودکان (CDI) و پرسشنامه انگیزش تحصیلی (AMS) استفاده شد. داده ها با بهره گیری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و از طریق آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها نشان داد میانگین نمره افسردگی دانش آموزان ۴۲/۱۷ و میانگین انگیزش تحصیلی ۶۳/۸۸ بود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین افسردگی و انگیزش تحصیلی ($r = -0.61$, $P < 0.001$) بود. همچنین بین افسردگی و انگیزش درونی ($r = -0.58$, $P < 0.001$) و انگیزش بیرونی ($r = -0.44$, $P < 0.006$) رابطه منفی و معنادار مشاهده شد. از سوی دیگر، بین افسردگی و بی انگیزگی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ($r = 0.53$, $P < 0.001$). بر اساس نتایج پژوهش می توان نتیجه گرفت که افزایش نشانه های افسردگی با کاهش انگیزش تحصیلی و مؤلفه های انگیزش درونی و بیرونی همراه است و در مقابل موجب افزایش بی انگیزگی تحصیلی می شود. بنابراین توجه به سلامت روان دانش آموزان، شناسایی زودهنگام علائم افسردگی و طراحی مداخلات آموزشی و مشاوره ای مناسب می تواند نقش مهمی در ارتقای انگیزش تحصیلی و بهبود عملکرد آموزشی آنان ایفا کند.

واژه های کلیدی: افسردگی، انگیزش تحصیلی، انگیزش درونی، انگیزش بیرونی، بی انگیزگی تحصیلی، دانش آموزان دوره ابتدایی.

۱-مقدمه

در دنیای امروز، آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی در رشد فردی، اجتماعی و علمی افراد ایفا می کند و موفقیت نظام های آموزشی تا حد زیادی به میزان مشارکت، تلاش و انگیزه یادگیرندگان وابسته است. در این میان، انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از مهم ترین متغیرهای روان شناختی مؤثر بر یادگیری، پیشرفت تحصیلی و دستیابی به اهداف آموزشی شناخته می شود. انگیزش تحصیلی نیرویی درونی یا بیرونی است که دانش آموز را به انجام فعالیت های آموزشی، استمرار در یادگیری و تلاش برای موفقیت تحصیلی سوق می دهد. پژوهشگران معتقدند دانش آموزانی که از انگیزش تحصیلی بالاتری برخوردار هستند، مشارکت فعال تری در فرایند یادگیری داشته، از راهبردهای شناختی و فراشناختی مؤثرتری استفاده می کنند و عملکرد تحصیلی مطلوب تری از خود نشان می دهند. از سوی دیگر، کاهش انگیزش تحصیلی می تواند پیامدهایی همچون افت تحصیلی، بی علاقهی نسبت به مدرسه، افزایش غیبت از کلاس و حتی ترک تحصیل را به دنبال داشته باشد. همزمان با اهمیت انگیزش تحصیلی، سلامت روان دانش آموزان نیز به عنوان یکی از دغدغه های اصلی نظام های آموزشی و متخصصان علوم رفتاری مطرح شده است. در میان مشکلات سلامت روان، افسردگی یکی از شایع ترین اختلالات روان شناختی در دوران نوجوانی و دانش آموزی محسوب می شود که با نشانه هایی نظیر خلق افسرده، احساس ناامیدی، کاهش انرژی، اختلال در تمرکز، افت علاقه به فعالیت های روزمره و کاهش احساس کارآمدی همراه است و می تواند ابعاد مختلف زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. مطالعات جدید نشان می دهد که افسردگی نه تنها بر سلامت روان و کیفیت زندگی افراد اثر می گذارد، بلکه پیامدهای قابل توجهی بر عملکرد شناختی، روابط اجتماعی و موفقیت تحصیلی آنان نیز دارد (Maeks wt al, ۲۰۲۳). پژوهش ها حاکی از آن است که نوجوانان مبتلا به افسردگی در مقایسه با همسالان خود با مشکلات بیشتری در تمرکز، تصمیم گیری، حل مسئله و انجام تکالیف آموزشی مواجه هستند و همین امر می تواند فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان را مختل سازد (اوربانسکا-گروش و والکیویچ، ۲۰۲۴). از منظر نظری نیز انتظار می رود که افسردگی از طریق کاهش احساس شایستگی، کاهش امید به آینده، تضعیف خودکارآمدی و کاهش لذت از فعالیت های آموزشی، انگیزش تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، دانش آموزی که به دلیل نشانه های افسردگی انرژی روانی کافی برای مشارکت در فعالیت های آموزشی ندارد، به تدریج علاقه و انگیزه خود را نسبت به یادگیری از دست می دهد و این مسئله می تواند به افت عملکرد تحصیلی و تشدید مشکلات روان شناختی منجر شود. یافته های پژوهشی اخیر نیز مؤید وجود رابطه منفی میان افسردگی و انگیزش تحصیلی هستند. برای مثال، ماجائوسکینه و همکاران نشان دادند که افسردگی یکی از قوی ترین عوامل پیش بینی کننده کاهش انگیزش درونی و افزایش بی انگیزگی تحصیلی است و افرادی که نشانه های افسردگی بیشتری را تجربه می کنند، انگیزه کمتری برای مشارکت در فعالیت های آموزشی دارند (Majauskiene et al., ۲۰۲۶) همچنین

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که سلامت روان دانش‌آموزان و دانشجویان با میزان انگیزش، مشارکت آموزشی و عملکرد تحصیلی آنان ارتباط معناداری دارد و مشکلات روان‌شناختی می‌توانند از طریق کاهش انرژی روانی و احساس شایستگی، انگیزش تحصیلی را تضعیف کنند (Ma, Akram, & Li, ۲۰۲۶). با وجود این، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر بر جمعیت دانشجویان متمرکز بوده و پژوهش‌های کمتری به بررسی همزمان افسردگی و انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان مدارس پرداخته‌اند. افزون بر این، نتایج برخی مطالعات درباره شدت و ابعاد این رابطه یکسان نبوده و به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و شرایط آموزشی در تبیین این ارتباط نقش داشته باشند. از سوی دیگر، افزایش فشارهای تحصیلی، رقابت آموزشی، تغییرات اجتماعی و پیامدهای ناشی از تحولات سال‌های اخیر، ضرورت توجه بیشتر به سلامت روان دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی آنان را دوچندان کرده است. بنابراین، با وجود اهمیت هر دو متغیر افسردگی و انگیزش تحصیلی در موفقیت آموزشی و رشد روانی دانش‌آموزان، همچنان نیاز به پژوهش‌های بیشتری برای روشن شدن ابعاد رابطه میان این دو سازه در جامعه دانش‌آموزی احساس می‌شود. شناسایی نوع و میزان ارتباط افسردگی با انگیزش تحصیلی می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و آموزشی فراهم آورد و به مسئولان آموزشی، مشاوران مدارس و والدین در ارتقای سلامت روان و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد و افسردگی تا چه اندازه می‌تواند تغییرات انگیزش تحصیلی آنان را تبیین کند؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- افسردگی

افسردگی یکی از شایع‌ترین و ناتوان‌کننده‌ترین اختلالات روان‌شناختی در جهان محسوب می‌شود که نه تنها بر خلق و هیجان فرد اثر می‌گذارد، بلکه ابعاد شناختی، رفتاری، اجتماعی و جسمانی زندگی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادبیات علمی معاصر، افسردگی صرفاً به معنای احساس غمگینی یا تجربه موقتی اندوه نیست، بلکه به عنوان یک اختلال پیچیده و چندبعدی شناخته می‌شود که با خلق افسرده پایدار، کاهش علاقه یا لذت نسبت به فعالیت‌های روزمره، احساس بی‌ارزشی، اختلال در تمرکز، تغییرات خواب و اشتها، خستگی مزمن و در برخی موارد افکار مرگ یا خودکشی همراه است (Marx et al., ۲۰۲۳). پژوهشگران بر این باورند که افسردگی حاصل تعامل عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی است و هیچ عامل واحدی نمی‌تواند به تنهایی بروز آن را تبیین کند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که زمینه‌های ژنتیکی، تغییرات نوروشیمیایی مغز، اختلال در شبکه‌های عصبی مرتبط با تنظیم هیجان، تجارب آسیب‌زای زندگی، فشارهای اجتماعی و عوامل محیطی همگی در

شکل گیری و تداوم این اختلال نقش دارند. (Suktas et al., ۲۰۲۴; Paul et al., ۲۰۲۳) از منظر تشخیصی، اختلال افسردگی اساسی زمانی مطرح می شود که مجموعه ای از نشانه ها حداقل به مدت دو هفته تداوم داشته باشند و موجب افت معنادار در عملکرد فردی، اجتماعی یا شغلی فرد شوند. با این حال، پژوهش های جدید نشان می دهند که افسردگی پدیده ای ناهمگن است و افراد مبتلا ممکن است الگوهای متفاوتی از علائم و عوامل خطر را تجربه کنند؛ به همین دلیل امروزه بر رویکردهای شخصی سازی شده در تشخیص و درمان افسردگی تأکید فراوانی می شود. (Benrimoh et al., ۲۰۲۴) در حوزه زیستی، شواهد فزاینده ای وجود دارد که نشان می دهد اختلال در عملکرد انتقال دهنده های عصبی مانند سروتونین، دوپامین و نوراپی نفرین تنها بخشی از فرایندهای پیچیده افسردگی را توضیح می دهد و عوامل دیگری نظیر التهاب سیستمیک، اختلال در محور هیپوتالاموس - هیپوفیز - آدرنال، تغییرات متابولیکی و ناهنجاری های شبکه های عصبی مغز نیز در این زمینه مؤثر هستند. (Cutler et al., ۲۰۲۳; Paul et al., ۲۰۲۳) در سال های اخیر، مطالعات ژنتیکی نیز نشان داده اند که برخی چندشکلی های ژنی می توانند استعداد ابتلا به افسردگی را افزایش دهند، هرچند اثر این عوامل ژنتیکی معمولاً در تعامل با شرایط محیطی و تجارب زندگی معنا پیدا می کند. (Suktas et al., ۲۰۲۴) از دیدگاه روان شناختی، نظریه های شناختی افسردگی بر نقش باورهای ناکارآمد، خطاهای شناختی و طرحواره های منفی در شکل گیری خلق افسرده تأکید می کنند. افراد افسرده اغلب خود، جهان و آینده را به شیوه ای منفی ادراک می کنند و همین الگوهای فکری می تواند موجب تداوم علائم شود. افزون بر این، پژوهش ها نشان داده اند که مشکلات در پردازش اجتماعی، ذهنی سازی و درک حالات ذهنی خود و دیگران نیز با شدت علائم افسردگی مرتبط هستند. (Langenbach et al., ۲۰۲۳) در سطح اجتماعی، رویدادهای استرس زا، فقر، بیکاری، انزوای اجتماعی، تعارضات بین فردی و فقدان حمایت اجتماعی از جمله مهم ترین عوامل خطر محسوب می شوند. برخی پژوهشگران معتقدند که تجربه فقدان، طردشدگی یا گسست در روابط دلبستگی می تواند یکی از زمینه های مهم شکل گیری افسردگی باشد، زیرا انسان به طور ذاتی موجودی اجتماعی است و محرومیت از روابط معنادار می تواند آثار عمیقی بر سلامت روان برجای گذارد. (Watt, ۲۰۲۳) از نظر همه گیرشناسی، افسردگی یکی از مهم ترین علل ناتوانی در سراسر جهان به شمار می رود و میلیون ها نفر در دوره ای از زندگی خود آن را تجربه می کنند. این اختلال با کاهش کیفیت زندگی، افت عملکرد تحصیلی و شغلی، افزایش بار اقتصادی خانواده و جامعه و همچنین افزایش خطر بیماری های جسمانی همراه است (Marx et al., ۲۰۲۳). مطالعات نشان داده اند که افسردگی با بیماری های قلبی - عروقی، دیابت، اختلالات خواب و برخی بیماری های التهابی ارتباط دوسویه دارد و همین موضوع ضرورت توجه به آن را در نظام های سلامت دوچندان می کند. (Depping et al., ۲۰۲۳) در زمینه درمان نیز رویکردهای متعددی توسعه یافته اند که از جمله مهم ترین آن ها می توان به درمان های دارویی، روان درمانی های مبتنی بر شواهد و مداخلات ترکیبی اشاره کرد. هرچند داروهای ضد افسردگی برای بسیاری از بیماران مؤثر

هستند، اما پاسخ درمانی در همه افراد یکسان نیست و بخشی از بیماران به درمان های استاندارد پاسخ کافی نمی دهند؛ از این رو پژوهش های جدید بر یافتن نشانگرهای زیستی و الگوهای پیش بینی کننده پاسخ درمانی متمرکز شده اند (Wang et al., ۲۰۲۴). Benrimoh et al., ۲۰۲۴ همچنین مطالعات نوین به نقش ترکیبات نورواستروئیدی، سیستم گابائریک و سایر مسیرهای عصبی در درمان افسردگی پرداخته اند و نتایج امیدوارکننده ای گزارش شده است. (Cutler et al., ۲۰۲۳) در مجموع، افسردگی اختلالی چندعاملی و پیچیده است که در نتیجه تعامل پویا میان عوامل ژنتیکی، زیستی، روان شناختی و اجتماعی ایجاد می شود و شناخت دقیق ابعاد مختلف آن برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی مؤثر ضروری است؛ بنابراین رویکردهای جدید بر این اصل استوارند که درک افسردگی نیازمند نگرشی جامع و انسان محور است که فرد را در بستر زیستی، روانی و اجتماعی زندگی او مورد توجه قرار دهد. (Marx et al., ۲۰۲۳; Paul et al., ۲۰۲۳)

۲-۲- انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی یکی از مهم ترین سازه های روان شناسی تربیتی است که نقش تعیین کننده ای در شروع، تداوم، جهت دهی و پایداری رفتارهای یادگیری دانش آموزان و دانشجویان ایفا می کند. این مفهوم به مجموعه نیروها، فرایندها و عوامل درونی و بیرونی اشاره دارد که فرد را به مشارکت در فعالیتهای آموزشی، تلاش برای دستیابی به اهداف تحصیلی و استمرار در مسیر یادگیری ترغیب می کنند. پژوهشگران حوزه آموزش، انگیزش تحصیلی را عاملی کلیدی در تبیین تفاوت های فردی در عملکرد تحصیلی، میزان مشارکت در کلاس، خودتنظیمی یادگیری، پشتکار و موفقیت آموزشی می دانند. بر اساس دیدگاه های نوین، انگیزش صرفاً یک ویژگی ثابت شخصیتی نیست، بلکه فرایندی پویا و وابسته به موقعیت است که تحت تأثیر ویژگی های فردی، محیط آموزشی، روابط اجتماعی و تجارب یادگیری تغییر می کند. (Törmänen et al., ۲۰۲۵) قابل ذکر است که انگیزش تحصیلی معمولاً به دو دسته اصلی انگیزش درونی و انگیزش بیرونی تقسیم می شود. انگیزش درونی زمانی شکل می گیرد که فرد به دلیل علاقه، کنجکاوی، لذت یا ارزش ذاتی یادگیری به فعالیت آموزشی می پردازد، در حالی که انگیزش بیرونی ناشی از عوامل خارجی مانند کسب نمره، دریافت پاداش، اجتناب از تنبیه یا کسب تأیید اجتماعی است. (Ryan & Deci, ۲۰۲۰) نظریه خودتعیین گری بیان می کند که ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی شامل خودمختاری، شایستگی و تعلق اجتماعی موجب تقویت انگیزش درونی و در نتیجه بهبود عملکرد تحصیلی، سلامت روان و مشارکت آموزشی می شود (Ryan & Deci, ۲۰۲۰). افزون بر این، نظریه های معاصر انگیزش تحصیلی نظیر نظریه انتظار - ارزش، نظریه اهداف پیشرفت، نظریه شناخت اجتماعی و نظریه اسناد، بر این نکته تأکید دارند که باورهای فرد درباره توانایی های خود، ارزش ادراک شده تکلیف، اهداف تحصیلی و تبیین موفقیت ها و شکست ها نقش مهمی در شکل گیری رفتارهای یادگیری دارند (Urhahne &

(Wijnia, ۲۰۲۳). پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند دانش‌آموزانی که از انگیزش تحصیلی بالاتری برخوردارند، در مقایسه با همسالان خود از راهبردهای یادگیری عمیق‌تر، خودنظم‌دهی بیشتر، پشتکار بالاتر و عملکرد تحصیلی مطلوب‌تری بهره‌مند هستند. (Vu et al., ۲۰۲۲) همچنین یافته‌های اخیر حاکی از آن است که انگیزش تحصیلی تحت تأثیر ویژگی‌های محیط آموزشی قرار دارد و عواملی مانند حمایت معلم، جو کلاس، فرصت انتخاب، بازخورد سازنده و کیفیت تعاملات آموزشی می‌توانند موجب افزایش یا کاهش انگیزش یادگیرندگان شوند. (Törmänen et al., ۲۰۲۵) از سوی دیگر، کاهش انگیزش تحصیلی با پیامدهایی نظیر افت تحصیلی، فرسودگی آموزشی، غیبت از کلاس، ترک تحصیل و کاهش سلامت روان همراه است. به همین دلیل، بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت انگیزش تحصیلی را نه تنها پیش‌شرط موفقیت آموزشی، بلکه یکی از مؤلفه‌های اساسی رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌دانند. در مجموع، انگیزش تحصیلی سازه‌ای چندبعدی و پویا است که از تعامل عوامل فردی، شناختی، هیجانی و محیطی شکل می‌گیرد و نقش بنیادی در کیفیت یادگیری، پیشرفت تحصیلی و دستیابی به اهداف آموزشی ایفا می‌کند

۳-۲- رابطه بین افسردگی و انگیزش تحصیلی

افسردگی و انگیزش تحصیلی از جمله متغیرهای مهم روان‌شناختی هستند که در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی، آموزش و سلامت روان را به خود جلب کرده‌اند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که میان افسردگی و انگیزش تحصیلی رابطه‌ای معنادار و عمدتاً منفی وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش نشانه‌های افسردگی، سطح انگیزش تحصیلی کاهش می‌یابد و در مقابل، کاهش انگیزش تحصیلی نیز می‌تواند زمینه‌ساز تشدید مشکلات روان‌شناختی از جمله افسردگی شود. (Majauskiene et al., ۲۰۲۶) افسردگی با نشانه‌هایی همچون احساس ناامیدی، کاهش انرژی، خستگی مفرط، افت تمرکز، احساس بی‌ارزشی و کاهش علاقه نسبت به فعالیت‌های روزمره همراه است. این نشانه‌ها به طور مستقیم توانایی دانش‌آموزان و دانشجویان را برای مشارکت فعال در فرایند یادگیری، برنامه‌ریزی تحصیلی و پیگیری اهداف آموزشی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، افراد مبتلا به افسردگی معمولاً اشتیاق کمتری برای مطالعه، حضور در کلاس‌های آموزشی و انجام تکالیف تحصیلی از خود نشان می‌دهند. افسردگی قوی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده کاهش انگیزش درونی و افزایش بی‌انگیزگی تحصیلی در دانشجویان است و دانشجویانی که سطوح بالاتری از علائم افسردگی را تجربه می‌کنند، انگیزه کمتری برای یادگیری و دستیابی به اهداف آموزشی دارند. قابل ذکر است که نظریه خودتعیین‌گری بیان می‌کند که انگیزش تحصیلی زمانی در بالاترین سطح خود قرار دارد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی شامل خودمختاری، شایستگی و تعلق اجتماعی ارضا شوند. افسردگی می‌تواند با ایجاد احساس ناتوانی، کاهش اعتماد به نفس و تضعیف روابط اجتماعی، این نیازهای اساسی را مختل

کرده و در نتیجه موجب کاهش انگیزش تحصیلی شود. افراد افسرده غالباً توانایی های خود را کمتر از واقعیت ارزیابی می کنند و نسبت به موفقیت های آینده نگرش منفی دارند؛ بنابراین انتظار موفقیت تحصیلی در آنان کاهش می یابد و تلاش کمتری برای دستیابی به اهداف آموزشی انجام می دهند. در چنین شرایطی، یادگیری دیگر فعالیتی لذت بخش و معنادار تلقی نمی شود و فرد به تدریج نسبت به تحصیل بی علاقه می شود. (Basileo et al., ۲۰۲۴)

پژوهش های اخیر همچنین نشان داده اند که رابطه افسردگی و انگیزش تحصیلی می تواند به صورت چرخه ای عمل کند. بدین معنا که افسردگی موجب کاهش انگیزش، افت عملکرد تحصیلی و کاهش مشارکت آموزشی می شود و این پیامدها به نوبه خود احساس شکست، ناکامی و بی کفایتی را افزایش داده و علائم افسردگی را تشدید می کنند. به عبارت دیگر، دانشجویی که به دلیل افسردگی انگیزه کافی برای مطالعه ندارد، ممکن است عملکرد ضعیف تری در امتحانات و فعالیت های آموزشی داشته باشد و همین تجربه شکست تحصیلی به افزایش احساس ناامیدی و تشدید افسردگی منجر شود (Ramos-Monsivais et al., ۲۰۲۴). علاوه بر این، مطالعات نشان داده اند که متغیرهایی مانند خودکارآمدی تحصیلی، عزت نفس، حمایت اجتماعی و سلامت روان می توانند در رابطه میان افسردگی و انگیزش تحصیلی نقش میانجی یا تعدیل کننده داشته باشند. دانشجویانی که از حمایت اجتماعی مناسب خانواده، دوستان و معلمان برخوردارند یا سطح بالاتری از خودکارآمدی و عزت نفس را تجربه می کنند، حتی در صورت مواجهه با برخی علائم افسردگی، انگیزش تحصیلی بیشتری نسبت به سایر افراد نشان می دهند. در مقابل، فقدان حمایت اجتماعی، فرسودگی تحصیلی و فشارهای آموزشی می تواند رابطه منفی میان افسردگی و انگیزش را تقویت کند. (Sun et al., ۲۰۲۴; Basileo et al., ۲۰۲۴) در مجموع، یافته های پژوهشی نشان می دهد که افسردگی یکی از مهم ترین عوامل تهدیدکننده انگیزش تحصیلی محسوب می شود و می تواند از طریق کاهش انرژی روانی، اختلال در تمرکز، کاهش احساس شایستگی و تضعیف امید به آینده، فرایند یادگیری و پیشرفت تحصیلی را مختل کند. از سوی دیگر، تقویت انگیزش تحصیلی، ارتقای خودکارآمدی، افزایش حمایت اجتماعی و ارائه مداخلات روان شناختی مناسب می تواند در کاهش آثار منفی افسردگی و بهبود عملکرد آموزشی دانش آموزان و دانشجویان مؤثر باشد. بنابراین، توجه همزمان به سلامت روان و انگیزش تحصیلی در محیط های آموزشی برای ارتقای موفقیت تحصیلی و بهزیستی روان شناختی دانشجویان ضروری است.

۴-۲-پیشینه تحقیق

ماجائوسکینه و همکاران در سال ۲۰۲۶ در پژوهشی با عنوان «افسردگی و عزت نفس به عنوان عوامل کلیدی مرتبط با انگیزش تحصیلی در دانشجویان دانشگاه» به بررسی نقش عوامل روان شناختی در انگیزش تحصیلی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد

که افسردگی رابطه منفی و معناداری با انگیزش تحصیلی دارد؛ به گونه‌ای که دانشجویان دارای سطوح بالاتر افسردگی، انگیزش درونی پایین‌تری برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی نشان دادند. همچنین یافته‌ها بیانگر آن بود که افسردگی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کاهش انگیزش تحصیلی در دانشجویان محسوب می‌شود (Majauskiene et al., ۲۰۲۶).

ترونکو و همکاران در سال ۲۰۲۵ در مطالعه‌ای مقطعی که یک سال پس از پایان محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ در میان دانشجویان دانشگاهی ایتالیا انجام شد، ارتباط مشکلات روان‌شناختی با انگیزش تحصیلی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که نشانه‌های افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی با کاهش معنادار انگیزش تحصیلی همراه هستند. پژوهشگران گزارش کردند دانشجویانی که مشکلات روان‌شناختی بیشتری را تجربه می‌کنند، مشارکت آموزشی کمتری داشته و تمایل کمتری برای دستیابی به اهداف تحصیلی از خود نشان می‌دهند (Troncone et al., ۲۰۲۵).

مک‌گینتی و همکاران در سال ۲۰۲۴ در یک مطالعه مروری نظام‌مند به بررسی ارتباط وضعیت سلامت روان با پیامدهای تحصیلی دانشجویان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که افسردگی و سایر مشکلات سلامت روان با کاهش انگیزش تحصیلی، افت عملکرد آموزشی، افزایش فرسودگی تحصیلی و احتمال ترک تحصیل ارتباط دارند. آنان نتیجه گرفتند که مشکلات روان‌شناختی از طریق کاهش انرژی روانی، احساس ناتوانی و کاهش خودکارآمدی، انگیزش دانشجویان را برای ادامه فعالیت‌های آموزشی تضعیف می‌کنند (Mac-Ginty et al., ۲۰۲۴).

گونزالس-یوبرو و همکاران در سال ۲۰۲۵ نقش هوش هیجانی و مقابله تاب‌آورانه را در انگیزش تحصیلی دانشجویان بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که از هوش هیجانی و توانایی مقابله مؤثرتری برخوردار هستند، انگیزش تحصیلی بیشتری را تجربه می‌کنند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که کاهش مشکلات هیجانی و روان‌شناختی می‌تواند به افزایش انگیزش تحصیلی منجر شود و سلامت روان نقش مهمی در حفظ اشتیاق و مشارکت آموزشی دانشجویان ایفا می‌کند (González-Yubero et al., ۲۰۲۵).

راموس-مونسیوایس و همکاران در سال ۲۰۲۴ در یک مطالعه مروری به بررسی رابطه سلامت روان و عملکرد تحصیلی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که افسردگی با کاهش تمرکز، اختلال در عملکرد شناختی، افت مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و کاهش انگیزش برای انجام تکالیف درسی همراه است. پژوهشگران بیان کردند که ضعف سلامت روان می‌تواند چرخه‌ای از کاهش انگیزش، افت عملکرد تحصیلی و تشدید مشکلات روان‌شناختی را ایجاد کند که در نهایت موفقیت تحصیلی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ramos-Monsivais et al., ۲۰۲۴).

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی از نوع همبستگی است که با هدف بررسی رابطه بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه پنجم دبستان اسماعیل فرخی ۲ شهر بروجن در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که بر اساس آمار مدرسه تعداد آنان ۴۲ نفر در دو کلاس آموزشی گزارش شد. با توجه به محدود بودن حجم جامعه، از روش سرشماری استفاده شد و تمامی اعضای جامعه آماری به عنوان نمونه اولیه پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه والدین برای مشارکت فرزندشان در مطالعه، نداشتن تشخیص رسمی اختلالات یادگیری خاص و حضور منظم در کلاس های درس بود. همچنین پرسشنامه های ناقص یا مخدوش از مطالعه حذف شدند. پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، تعداد ۳۸ دانش آموز به عنوان نمونه نهایی پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری داده ها از دو ابزار استفاده شد؛ نخست پرسشنامه افسردگی کودکان (CDI) که توسط کواچ (۱۹۹۲) طراحی شده و دارای ۲۷ سؤال است. هر سؤال شامل سه گزینه با نمره های صفر تا دو بوده و دامنه نمرات آن از صفر تا ۵۴ متغیر است، به گونه ای که نمرات بالاتر نشان دهنده شدت بیشتر نشانه های افسردگی است. مطالعات انجام شده در ایران پایایی مطلوب این ابزار را گزارش کرده اند و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۷ و ضریب پایایی بازآزمایی آن ۰/۸۲ گزارش شده است. ابزار دوم، پرسشنامه انگیزش تحصیلی (AMS) برگرفته از مقیاس انگیزش تحصیلی والرند و همکاران (۱۹۹۲) بود که شامل ۲۸ گویه با مقیاس پنج درجه ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» است و سه مؤلفه انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزگی را ارزیابی می کند. پس از جمع آوری پرسشنامه ها از پرس لاین، داده ها کدگذاری و در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ وارد شدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات و از آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه بین افسردگی و انگیزش تحصیلی استفاده شد. پیش از اجرای آزمون همبستگی، مفروضه های آماری شامل نرمال بودن توزیع داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و خطی بودن رابطه بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و سطح معناداری آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

در انتها لازم به ذکر است که فرضیه های تحقیق به صورت زیر ارائه شده است:

فرضیه اصلی:

- بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم دبستان دخترانه اسماعیل فرخی ۲ رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

- بین نمره افسردگی و انگیزش درونی دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
- بین نمره افسردگی و انگیزش بیرونی دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
- بین نمره افسردگی و بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

۴- یافته های تحقیق

در این فصل، داده های گردآوری شده از ۳۸ دانش آموز پایه پنجم دبستان اسماعیل فرخی ۲ با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده و سپس فرضیه های پژوهش از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفته اند.

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

بیشترین نمره	کمترین نمره	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیر
۳۱	۵	۶.۱۵	۱۷.۴۲	۳۸	افسردگی
۱۰۹	۶۱	۱۱.۲۴	۸۸.۶۳	۳۸	انگیزش تحصیلی
۵۰	۲۷	۵.۷۲	۴۰.۲۱	۳۸	انگیزش درونی
۴۵	۲۲	۴.۹۶	۳۴.۸۷	۳۸	انگیزش بیرونی
۲۴	۶	۴.۲۱	۱۳.۵۵	۳۸	بی انگیزگی

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین نمره افسردگی دانش آموزان برابر با ۱۷.۴۲ و انحراف معیار آن ۶.۱۵ بود. همچنین میانگین انگیزش تحصیلی ۸۸.۶۳ با انحراف معیار ۱۱.۲۴ به دست آمد. بررسی دامنه تغییرات نمرات نشان می دهد که دانش آموزان از نظر افسردگی و انگیزش تحصیلی دارای تفاوت های فردی قابل توجهی بوده اند که این موضوع امکان بررسی روابط بین متغیرها را فراهم می سازد.

بررسی فرضیه اصلی پژوهش

فرضیه اصلی: بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم دبستان اسماعیل فرخی ۲ رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین افسردگی و انگیزش تحصیلی

سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی (r)	متغیرها
$P > 0.001$	-0.61	افسردگی و انگیزش تحصیلی

مطابق جدول ۲، ضریب همبستگی بین افسردگی و انگیزش تحصیلی برابر با -0.61- به دست آمد که در سطح 0.001 معنادار است. منفی بودن ضریب همبستگی نشان می دهد که با افزایش افسردگی، انگیزش تحصیلی دانش آموزان کاهش می یابد. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می شود.

بررسی فرضیه فرعی اول

فرضیه فرعی اول: بین نمره افسردگی و انگیزش درونی دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی بین افسردگی و انگیزش درونی

سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی (r)	متغیرها
$P > 0.001$	-0.58	افسردگی و انگیزش درونی

همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، بین افسردگی و انگیزش درونی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ($r = -0.58$) این یافته نشان می دهد که افزایش نشانه های افسردگی با کاهش علاقه، اشتیاق و انگیزه درونی دانش آموزان برای یادگیری همراه است. بنابراین فرضیه فرعی اول تأیید می شود.

بررسی فرضیه فرعی دوم

فرضیه فرعی دوم: بین نمره افسردگی و انگیزش بیرونی دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی بین افسردگی و انگیزش بیرونی

سطح معناداری (Sig)	ضریب همبستگی (r)	متغیرها
0.006	-0.44	افسردگی و انگیزش بیرونی

بر اساس جدول ۴، ضریب همبستگی بین افسردگی و انگیزش بیرونی برابر با ۰.۴۴- است که در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد. این نتیجه نشان می دهد که با افزایش افسردگی، انگیزه های بیرونی دانش آموزان نیز کاهش می یابد. بنابراین فرضیه فرعی دوم نیز مورد تأیید قرار گرفت.

بررسی فرضیه فرعی سوم

فرضیه فرعی سوم: بین نمره افسردگی و بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی بین افسردگی و بی انگیزگی تحصیلی

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (Sig)
افسردگی و بی انگیزگی	۰.۵۳	۰.۰۰۱

مطابق جدول ۵، ضریب همبستگی بین افسردگی و بی انگیزگی تحصیلی برابر با ۰.۵۳ است که در سطح ۰.۰۰۱ معنادار می باشد. مثبت بودن این ضریب بیانگر آن است که با افزایش افسردگی، میزان بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه فرعی سوم تأیید می شود.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که افسردگی با انگیزش تحصیلی و ابعاد آن رابطه معنادار دارد. به طوری که افزایش افسردگی با کاهش انگیزش تحصیلی، انگیزش درونی و انگیزش بیرونی همراه بوده و در مقابل موجب افزایش بی انگیزگی تحصیلی می شود. این یافته ها بیانگر نقش مهم سلامت روان در حفظ انگیزه و عملکرد آموزشی دانش آموزان است.

۵- بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین افسردگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم دبستان رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که افزایش نشانه های افسردگی با کاهش انگیزش تحصیلی، انگیزش درونی و انگیزش بیرونی و همچنین افزایش بی انگیزگی تحصیلی همراه است. این یافته ها بیانگر نقش مهم سلامت روان در حفظ اشتیاق، مشارکت آموزشی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. بر این اساس، پیشنهاد می شود مسئولان آموزشی و مدیران مدارس با اجرای برنامه های غربالگری دوره ای سلامت روان، شناسایی زودهنگام دانش آموزان در معرض افسردگی را در اولویت قرار دهند. همچنین برگزاری کارگاه های آموزشی برای والدین و معلمان در زمینه شناخت نشانه های افسردگی و شیوه های حمایت روانی از دانش آموزان

می‌تواند در کاهش مشکلات روان‌شناختی آنان مؤثر باشد. تقویت خدمات مشاوره‌ای مدارس، ایجاد محیط آموزشی حمایت‌کننده، افزایش فرصت‌های موفقیت تحصیلی، استفاده از روش‌های تدریس انگیزه‌بخش و فراهم کردن فعالیت‌های گروهی و مشارکتی نیز می‌تواند به ارتقای انگیزش تحصیلی و کاهش پیامدهای منفی افسردگی کمک کند. در مجموع، توجه همزمان به سلامت روان و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند زمینه‌ساز بهبود عملکرد آموزشی و رشد همه‌جانبه آنان باشد.

منابع

- Basileo, L. D., Otto, B., Lyons, M., Vannini, N., & Toth, M. D. (۲۰۲۴). The role of self-efficacy, motivation, and perceived support of students' basic psychological needs in academic achievement. *Frontiers in Education*, 9, ۱۳۸۵۴۴۲.
- Benrimoh, D., Armstrong, C., Mehlretter, J., Fratila, R., Perlman, K., Israel, S., Kapelner, A., Parikh, S. V., Karp, J. F., Heller, K., & Turecki, G. (۲۰۲۴). *Development and validation of a deep-learning model for differential treatment benefit prediction for adults with major depressive disorder deployed in the Artificial Intelligence in Depression Medication Enhancement (AIDME) Study*. arXiv.
- Cutler, A. J., Mattingly, G. W., & Maletic, V. (۲۰۲۳). Understanding the mechanism of action and clinical effects of neuroactive steroids and GABAergic compounds in major depressive disorder. *Translational Psychiatry*, 13(۱), ۲۲۸.
- Depping, M. S., Köhler-Ipek, L., Ullrich, P., Hauer, K., & Wolf, R. C. (۲۰۲۳). Depression im Alter und Frailty: Epidemiologische, klinische und neurobiologische Zusammenhänge. *Der Nervenarzt*, 94, ۲۳۴–۲۳۹.
- Langenbach, B. P., Koelkebeck, K., & Knoch, D. (۲۰۲۳). Mentalising and depression: A mini-review on behavior, neural substrates, and treatment options. *Frontiers in Psychiatry*, 14, ۱۱۱۶۳۰۶.
- Ma, D., Akram, H., & Li, S. (۲۰۲۶). *Assessing the role of physical activity in shaping students' academic motivation: The mediating role of mental health*. BMC Public Health, ۲۶, ۳۲.
- Majauskienė, D., Istomina, N., Valanciene, D., Dadelienė, R., Sidlauskienė, A., Aukstikalnis, T., Jamontaite, I. E., Strazdaite, E., Zilinskiene, R., Gintiliene, M.,

- Sarkauskiene, A., & Skurvydas, A. (۲۰۲۶). Depression and self-esteem as key factors related to academic motivation in university students. *BMC Public Health*, 26, ۵۱۳.
- Majauskiene, D., Istomina, N., Valanciene, D., Dadeliene, R., Sidlauskienė, A., Aukstikalnis, T., Jamontaite, I. E., Strazdaite, E., Zilinskiene, R., Gintiliene, M., Sarkauskiene, A., & Skurvydas, A. (۲۰۲۶). *Depression and self-esteem as key factors related to academic motivation in university students*. BMC Public Health, ۲۶, ۵۱۳.
 - Marx, W., Penninx, B. W. J. H., Solmi, M., Furukawa, T. A., Firth, J., Carvalho, A. F., & Berk, M. (۲۰۲۳). Major depressive disorder. *Nature Reviews Disease Primers*, 9(۴۴), ۱–۲۴.
 - Marx, W., Penninx, B. W. J. H., Solmi, M., Furukawa, T. A., Firth, J., Carvalho, A. F., & Berk, M. (۲۰۲۳). *Major depressive disorder*. Nature Reviews Disease Primers, ۹(۴۴), ۱–۲۴.
 - Paul, E. R., Östman, L., Heilig, M., Mayberg, H. S., & Hamilton, J. P. (۲۰۲۳). Towards a multilevel model of major depression: Genes, immuno-metabolic function, and cortico-striatal signaling. *Translational Psychiatry*, 13(۱۷۱), ۱–۱۳.
 - Ramos-Monsivais, C. L., Rodríguez-Cano, S., Lema-Moreira, E., & Delgado-Benito, V. (۲۰۲۴). Relationship between mental health and students' academic performance through a literature review. *Discover Psychology*, 4(۱۱۹), ۱–۱۸.
 - Ryan, R. M., & Deci, E. L. (۲۰۲۰). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 61, ۱۰۱۸۶۰.
 - Suktas, A., Ekalaksananan, T., Aromseree, S., Bumrunghai, S., Songserm, N., & Pientong, C. (۲۰۲۴). Genetic polymorphism involved in major depressive disorder: A systematic review and meta-analysis. *BMC Psychiatry*, 24, ۷۱۶.
 - Sun, M., Piao, M., & Jia, Z. (۲۰۲۴). The impact of alexithymia, anxiety, social pressure, and academic burnout on depression in Chinese university students: An analysis based on SEM. *BMC Psychology*, 12, ۷۵۷.
 - Törmänen, T., Ketonen, E., Lehtoaho, E., Turunen, M., Zabolotna, K., Shubina, T., & Järvenoja, H. (۲۰۲۵). Situational motivation in academic learning: A systematic review. *Educational Psychology Review*, 37(۵۶), ۱–۴۰.
 - Urbańska-Grosz, J., & Walkiewicz, M. (۲۰۲۴). *Is there sufficient evidence for the association between executive dysfunction and academic performance in adolescents with*

- major depressive disorder? A systematic review. European Child & Adolescent Psychiatry*, ۳۳, ۲۱۲۹-۲۱۴۰.
- Urhahne, D., & Wijnia, L. (۲۰۲۳). Theories of motivation in education: An integrative framework. *Educational Psychology Review*, 35(۴۵), ۱-۳۲.
 - Vu, T., Magis-Weinberg, L., Jansen, B. R. J., van Attevelde, N., Janssen, T. W. P., & Lee, N. C. (۲۰۲۲). Motivation-achievement cycles in learning: A literature review and research agenda. *Educational Psychology Review*, 34(۱), ۳۹-۷۱.
 - Wang, P., Wang, W.-W., Liu, Y.-Q., Li, W.-Q., Hu, J.-X., Su, Y.-A., Li, J.-T., Li, N., & Si, T.-M. (۲۰۲۴). The dose-response relationship of vortioxetine on major depressive disorder: An umbrella review. *Psychiatry Research*, 340, ۱۱۶۱۱۸.

Investigating the Relationship Between Depression and Academic Motivation Among Fifth-Grade Students of Esmail Farokhi Elementary School in Borujen

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between depression and academic motivation among fifth-grade students of Esmail Farokhi Elementary School in Borujen. This study was applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of methodology. The statistical population consisted of all fifth-grade male students enrolled in the school during the ۲۰۲۴–۲۰۲۵ academic year. Due to the limited population size, a census sampling method was employed. After applying the inclusion and exclusion criteria, ۳۸ students were selected as the final sample. Data were collected using the Children's Depression Inventory (CDI) and the Academic Motivation Scale (AMS). The data were analyzed using SPSS version ۲۶ through descriptive statistics and Pearson's correlation coefficient. The findings indicated that the mean depression score of the students was ۱۷.۴۲, while the mean academic motivation score was ۸۸.۶۳. The results of Pearson's correlation analysis revealed a significant negative relationship between depression and academic motivation ($r = -۰.۶۱$, $p < ۰.۰۰۱$). Furthermore, significant negative relationships were found between depression and intrinsic motivation ($r = -۰.۵۸$, $p < ۰.۰۰۱$) as well as extrinsic motivation ($r = -۰.۴۴$, $p = ۰.۰۰۶$). In contrast, a significant positive relationship was observed between depression and academic amotivation ($r = ۰.۵۳$, $p = ۰.۰۰۱$). Based on the findings, it can be concluded that increased depressive symptoms are associated with lower levels of academic motivation, intrinsic motivation, and extrinsic motivation, while simultaneously contributing to higher levels of academic amotivation. Therefore, greater attention to students' mental health, early identification of depressive symptoms, and the development of appropriate educational and counseling interventions may play a significant role in enhancing academic motivation and improving students' educational performance.

Keywords: Depression, Academic Motivation, Intrinsic Motivation, Extrinsic Motivation, Academic Amotivation, Elementary School Students.